

Abstracts

Bi-quarterly scientific journal of Religion & Communication, Research Article
Vol. 29, No. 1, (Serial 61), Spring & summer 2022

The need to teach methods and skills of interfaith dialogue

Khalil Hakimifar¹

Received: 24/12/2020

Accepted: 13/10/2021

Abstract

The phenomenon such as Ideological war, immigration, globalization, etc. make dialogues among religions inevitable. The Christians comparatively are the main players to have dialogue among religions so, their clergymen have been trained many techniques to be successful in this matter. Meanwhile this issue has been mostly neglected among Muslims who are the most important target for dialogue. The main issue in this essay are as below: -What responsibility the university has in dialogue among religions? -is there any contradiction between the expecting role-playing of university and its responsibility? -How university can access the needed results? It seems, it is university's responsibility to have planning and strategy for teaching dialogue among religions which is truly possible through peace and social welfare and research, Because the infrastructure for teaching dialogue among religions should be knowledge-oriented, effective, ethical and value-base. This knowledge beside formulating values and goals of religions, it creates respects to cultural and social features of different religions. The current essay has been assigned to formulate the necessity of teaching dialogue among religions at university by descriptive- analytic method.

Keywords: course unit, dialogue, methods, skills, religions and theosophy.

1. Assistant Professor and Member of the Faculty of Comparative Religions and Mysticism, Faculty of Theology and Islamic Studies, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran
kh_hakimifar@theo.usb.ac.ir

ضرورت آموزش شیوه‌ها و مهارت‌های گفت‌وگوی ادیان

خلیل حکیمی فر*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱

چکیده

در روزگار ما با وجود جنگ‌های عقیدتی، مهاجرت و جهانی‌شدن، گفت‌وگو پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است. در مقام مقایسه، در جهان غرب، مسیحیان شخصیت اصلی گفت‌وگوی بین‌دینی هستند و روحانیون مسیحی تکنیک‌ها و روش‌های آن را فرا می‌گیرند؛ در حالی که مسلمانان که مهم‌ترین هدف گفت‌وگوی مسیحیان هستند، کمتر به آموزش روش‌ها و فنون گفت‌وگوی بین‌ادیان در آموزشگاه‌های خود می‌پردازند. مسئله اصلی این مقاله آن است که دانشگاه چه نسبتی با موضوع گفت‌وگوی ادیان دارد؟ آیا انتظار نقش‌آفرینی دانشگاه در این زمینه با رسالت دانشگاه مغایر است یا بالعکس؟ دانشگاه با چه سازوکاری می‌تواند به این موضوع بپردازد تا نتایج در خوری به دست آورد؟ زیربنای این آموزش باید دانش تحول‌گرا، اخلاق‌محور و ارزش‌بنیان باشد. این دانش در وهله نخست موجب شناخت ارزش‌ها و اهداف ادیان و در گام بعدی، موجب احترام به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی سنت‌های دینی مختلف می‌شود. برنامه‌ریزی راهبردی برای آموزش گفت‌وگوی ادیان، رسالت دانشگاهی است که در پی حقیقت، صلح و رفاه اجتماعی از طریق آموزش و پژوهش است. این مقاله متکفل تبیین ضرورت آموزش گفت‌وگوی ادیان در دانشگاه به شیوه‌ی تحلیلی و توصیفی است.

واژگان کلیدی: واحد درسی، گفت‌وگو، شیوه‌ها، مهارت‌ها، ادیان و عرفان.

* استادیار و عضو هیئت‌علمی گروه ادیان و عرفان تطبیقی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و

بلوچستان، زاهدان، ایران kh_hakimifar@theo.usb.ac.ir

مقدمه

گفت‌وگوی بین‌ادیان موضوع مهمی است که در عصر مدرن مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از اندیشمندان مسلمان به این گفت‌وگوها که بیشتر در جهان مسیحی و توسط واتیکان و شورای جهانی کلیساها و به‌ویژه توسط انجیلی‌ها تبلیغ می‌شود، با دیده تردید نگریده‌اند؛ با این حال، گفت‌وگو در اسلام چیز جدیدی نیست، چراکه قرآن، سنت و تاریخ اسلامی نه تنها از گفت‌وگو با مردمان سایر ادیان سخن گفته‌اند، بلکه بر انجام آن توصیه کرده‌اند. گذشته از این‌ها، تاریخ ادیان حاکی از این است که پیروان آن‌ها همواره تلاش کرده‌اند عقاید سایر نظام‌های دینی را بشناسند. این کار به دلایل مختلفی چون انگیزه‌های علمی، رقابت، کنجکاوی یا برای درک رابطه میان ادیان صورت گرفته است. گرچه این‌گونه تلاش‌ها سابقه‌ای طولانی دارد، اما فعالیت‌های جدید در این زمینه از توفیق و جذابیت بیشتری برخوردار شده است. کسب صلاحیت‌های مورد نیاز برای تعامل در دنیای متکثر، فرایند ساده‌ای نیست و امری است که یادگیری از طریق آن اتفاق می‌افتد.

فیلسوف تعلیم و تربیت، تاسوس کازپیدس^۱ در مورد یادگیری می‌گوید: «یادگیری نه موجودی انتزاعی، اثری و مستقل از زندگی عادی بلکه دستاوردی کاملاً انسانی است که از طریق گفت‌وگو در جوامع واقعی بشری حاصل می‌شود» (Kazepides, 2012: 90)؛ بنابراین آموختن در مورد سایر مذاهب و فرهنگ‌ها نیازمند مواجهه با دیگران است. در این صورت «دیگری» به جای اینکه کاملاً «بیگانه»، «عجیب»، «متفاوت» یا شاید حتی «ترسناک» به نظر برسد، می‌تواند «خودی»، «شبیهِ»، «عادی» یا حتی «آشنا» باشد. این چشم‌انداز با تأکید بر تنوع فرهنگی و مذهبی، درک بین‌فرهنگی و بین‌دینی، احترام متقابل، تمایل به پذیرش دیگران، تعهد به همبستگی و امنیت انسانی، همه در راستای ایجاد فضایی صلح‌آمیز امکان‌پذیر است.

امروزه دین در آموزش‌های مدرن در حال تبدیل شدن به زمینه‌ای برای تکرر و چندجانبه‌گرایی است. اگر در سال‌های پیش منشأ و فلسفه دین در آموزش‌ها محل بحث بود، اکنون علاوه بر این‌ها، ابعاد و ارزش‌های فرادینی نیز جای بحث دارد. مسئله این است که چگونه می‌توان ارزش‌های سنت‌های مختلف را در جوامعی که دارای فرهنگ‌ها و

1. Tasos Kazepides

قومیت‌های مختلف هستند، پیاده کرد. در گذشته، در برابر این کثرت‌گرایی و تنوع سنت‌های دینی و قومی و فرهنگی در سراسر جهان، مدارا و تحمل به‌عنوان تنها راه مطرح بود. امروزه برخی رفتارهای مداراگرا بیشتر تحت تأثیر فرایندهای جهانی قرار دارد و این عامل به‌تنهایی نمی‌تواند گفت‌وگو و تعامل مؤثری را ایجاد کند. همین‌طور، برخورداری از یک جغرافیای مشترک به‌تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده پیشرفت گفت‌وگو در میان ادیان باشد (Rumyana Ilcheva, 2015: 2). تجربه نشان داده است گرچه تحمل و رواداری مقوله ارزشمندی است اما به نظر می‌رسد برای رسیدن به جامعه متکثر و زندگی صلح‌آمیز، نیاز به چیزی فراتر از تحمل و رواداری وجود دارد. مدارا و تحمل در بهترین حالت میان طرف‌های درگیر دیواری شیشه‌ای ایجاد می‌کند. مردم در پس این دیوار شیشه‌ای می‌توانند درحالی‌که در امنیت به سر می‌برند و همدیگر را می‌بینند، در کنار یکدیگر زندگی کنند. در این حالت، همگان تنها حق حیات یکدیگر را به رسمیت می‌شناسند و در نتیجه به همدیگر آسیب نمی‌رسانند، اما در اینجا هیچ تعهدی برای شناخت یکدیگر و تجربه زندگی مشترک به‌عنوان عنصری که دارای وابستگی متقابل هستند، وجود ندارد؛ بنابراین مدارا شرط لازم برای رسیدن به روابط عادی است اما شرط کافی برای دستیابی به زندگی سالم انسانی نیست و هرگز به جامعه واقعی منجر نخواهد شد، زیرا جامعه مدارامحور انسان‌ها را در حالت جهل و عدم تناسب نگه می‌دارد و به آن‌ها اجازه یادگیری، رشد و تحول نمی‌دهد.

نخستین گام در گفت‌وگوی میان ادیان، آموزش نحوه گفت‌وگوی مؤثر است. بر این اساس، برای شکوفاشدن استعدادهای بالقوه انسانی باید تنوع تجربه‌های انسانی را درک کرد و در روابط انسانی به اموری فراتر از مدارا و تحمل اندیشید. این مهم تنها از طریق آموزش گفت‌وگوی بین ادیان میسر می‌شود. زیربنای این آموزش باید دانش تحول‌گرا، اخلاق‌محور و ارزش‌بنیان باشد. این دانش در وهله نخست موجب شناخت ارزش‌ها و اهداف ادیان و در گام بعد موجب احترام به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی سنت‌های دینی مختلف می‌شود. در این صورت می‌توان کثرت در جامعه انسانی را پذیرفت و در مورد یکدیگر آموخت و اصل وابستگی متقابل را درک کرد و بر این اساس، رابطه واقعی با یکدیگر را شکل داد و براساس احترام متقابل به رشد و تحول دست یافت.

۱. ضرورت مسئله

بسیاری از دانشمندان و رهبران دینی جهان بر این عقیده‌اند که تا زمانی که بین ادیان صلح واقعی محقق نشود، در جهان صلح اتفاق نخواهد افتاد. هدف نهایی آموزش گفت‌وگوی ادیان، دستیابی به فرایندی است که موجب رشد همه‌جانبه اخلاقی، عاطفی و عقلی بین دانشجویان شود و آن‌ها را به افرادی قوی و برخوردار از مهارت‌های اجتماعی کافی برای داشتن زندگی مشترک و مسالمت‌آمیز تبدیل کند. از جمله می‌توان به مهارت حل‌وفصل مسالمت‌آمیز منازعات، دفاع مستدل از عقاید، نقد منصفانه دیدگاه‌ها و ارزش‌گذاری نسبت به تنوع و تکثر به‌عنوان راهی برای غنای فرهنگی و اجتماعی، اشاره داشت. در بسیاری از کشورها گرایش به سمت دین به‌عنوان زمینه‌ای برای گفتمان و آموزش عمومی، در حال افزایش است. گفت‌وگوی بین ادیان از نظر روان‌شناختی راهی برای شناخت محدودیت‌های خود است. به رسمیت‌شناختن این محدودیت‌ها انسان را ترغیب می‌کند تا وارد قلمرویی شود که فراتر از خود است و افراد را تشویق می‌کند تا پذیرای واقعیت‌های فراتر شوند؛ همان‌طور که ریچارد تیلور^۱ فیلسوف امریکایی (۱۹۱۹-۲۰۰۳) گفت‌وگو را وسیله‌ای می‌داند که انسان به واسطه آن می‌تواند ضمن شناخت محدودیت‌ها، به فراتر از محدوده فردی خود برسد» (Tylor, 1967: 55).

از نظر جامعه‌شناختی نیز نوعی ترس و اضطراب ناشی از تنوع و تکثر در برخی وجود دارد، اما تمرکز بر دانش دین و گفت‌وگوی بین ادیان راه مطمئنی برای کاهش این خطر است. آموزش بین ادیان زمینه مناسبی برای دانشجویان فراهم می‌کند تا بتوانند به‌عنوان شهروندان آزاد و با زبان مشترک، پاسخ‌گوی نیازهای جامعه باشند. برای برخورداری از چنین زمینه‌ای کسب مهارت‌های ارتباطی نیز ضروری است. این مهارت‌ها شامل توانایی درک عقاید دیگران و توانایی ابراز ایمان شخصی است. اهمیت کسب مهارت‌های ارتباطی در تصنیف معروف «شرق و غرب» رودیارد کیپلینگ^۲ (۱۸۶۵-۱۹۳۶) نویسنده و شاعر انگلیسی هندی‌تبار و برنده جایزه نوبل در سال ۱۹۰۷ آشکار است. وی در این تصنیف می‌گوید:

1. Richard Teylor
2. Joseph Rudyard Kipling

«اوه شرق، شرق است و غرب، غرب و این دو هرگز به یکدیگر نخواهند رسید
زمین و آسمان به همین صورت منتظر دآوری الهی خواهند بود،
اما وقتی دو انسان فرهیخته، هرچند از دوردست‌ها، مقابل هم قرار می‌گیرند،
دیگر نه شرقی در میان خواهد بود نه غربی، نه مرزی و نه نژادی و نه
سن‌وسالی» (Kipling, 1940: 233).

این شعر بدان معناست که فواصل جغرافیایی در جهان از بین رفتنی نیست، اما هنگامی
که دو انسان فهیم براساس احترام متقابل و صداقت به گفت‌وگو می‌نشینند، معیارهای
دیگری چون ملیت، خانواده، نژاد و غیره اهمیتی نخواهند داشت و این‌گونه اختلاف‌ها
مورد توجه نخواهد بود.

متأسفانه، با وجود تلاش‌های بسیاری که در زمینه شناخت ادیان در دانشگاه‌ها و مراکز علمی
مختلف صورت گرفته است، هنوز حس بی‌اعتمادی و سوءظن نسبت به باورها و آیین‌های
ادیان دیگر بر مردم حاکم است. این امر تا حدی طبیعی است؛ همچنان‌که دکتر مارتین لوتر
کینگ جونیور در بخشی از سخنرانی خود در ۱۵ اکتبر ۱۹۶۲ در کالج کرنل می‌گوید:

«ما اغلب از یکدیگر متنفریم چون از یکدیگر هراس داریم
ما از یکدیگر می‌هراسیم چون همدیگر را نمی‌شناسیم
ما یکدیگر را نمی‌شناسیم چون قادر به ارتباط با هم نیستیم
ما نمی‌توانیم با همدیگر ارتباط برقرار کنیم چون از همدیگر جدایم»^۱.

این همان ترس از ناشناخته‌ها نزد همگان است و فقدان آموزش یا ضعف آموزش
گفت‌وگوهای ادیان، سبب حادث‌شدن این معضل در برخی دانشگاه‌ها می‌شود که دارای
تکثر ادیان بوده‌اند و گاه هشدار اندیشمندان را در پی داشته است. برای مثال از نظر
ری یرا، پژوهشگر معنویت‌گرا، جهل دینی و بدفهمی‌های ناشی از آن در زمینه‌های دین،
ایمان و معنویت در دانشگاه‌ها به حد بحران رسیده است (Riera, 2013: 7)؛ یا دکتر
استفانی راسل^۲ استاد دانشگاه تمپا^۳ و پژوهشگر گفت‌وگوی ادیان می‌گوید: «درحالی‌که

1. <https://news.cornellcollege.edu/dr-martin-luther-kings-visit-to-cornell-college/>

2. Stephanie Russell Krebs, Vice President for Student Affairs, Dean of Students and Co-Chief Diversity Officer, Student Affairs

3. University of Tampa

گفت‌وگوهای دینی بخش مهمی از آموزش‌های بین‌فرهنگی است و معلوم شده است این گفت‌وگوها مکانیزم مؤثری در کاهش منازعات و خشونت‌ها هستند، به‌تازگی این‌گونه گفت‌وگوها کاهش یافته و این می‌تواند زنگ خطری باشد» (Russell, 2014: 11).

در کشور ما نیز نیاز جدی به آموزش شیوه‌ها و فنون گفت‌وگو نه‌تنها در حوزه ادیان و مذاهب بلکه در بسیاری از حوزه‌ها قابل‌مشاهده است؛ برای مثال بسیاری از معضلات موجود در عرصه خانواده، سیاست، اقتصاد و غیره در کشور ما مربوط به فقدان عنصر گفت‌وگوی مؤثر است. رفع این مشکل در گام نخست با درک اهمیت گفت‌وگو و سپس برنامه‌ریزی‌های لازم برای آموزش گام‌به‌گام در نهاد آموزش و پرورش و آموزش عالی میسر می‌شود. تکثر دینی به صورتی که در برخی کشورها دیده می‌شود، در اینجا وجود ندارد و فقدان آن تا حدودی باعث غفلت ما از پرداختن به این مسئله مهم شده است. آثاری که در این زمینه به‌ویژه در زبان‌های غیرفارسی دیده می‌شود، حاکی از این است که روش‌ها و فنون و مهارت‌های ادیان به صورت امری تخصصی درآمده است و این‌گونه نیست که هر کس بتواند با هر مقدار دانش و تجربه، طرف گفت‌وگو به‌ویژه در زمینه‌های دینی باشد. این درست مانند دیپلماسی و مذاکره در سطوح بین‌الملل است. همان‌طور که مذاکرات بین‌المللی باید توسط افرادی صورت گیرد که از دانش و تجربه لازم در زمینه‌های سیاسی، حقوقی و غیره برخوردار باشند در اینجا نیز گفت‌وگوهای میان ادیان و مذاهب باید توسط افرادی انجام شود که ابتدا از دانش دین‌شناسی لازم و سپس از مهارت‌ها و فنون گفت‌وگو و به‌طورکلی از دانش و تجربه در زمینه گفت‌وگوهای ادیان برخوردار باشند؛ بنابراین امروزه ما بجد نیازمند پرورش دانشجویانی هستیم که در زمینه دیپلماسی گفت‌وگوی ادیان از توانمندی‌های لازم برخوردار باشند.

پیشینه پژوهش

در ابتدای قرن بیستم در واکنش به وجود فرهنگ‌های متکثر، آموزش‌های مربوط به آن در دستورکار قرار گرفت. گرچه در این زمان هویت دینی نسبت به هویت قومی و ملی دارای اهمیت کمتری بود، افزایش توجه به این امر به‌عنوان یک عامل شناخته‌شده در روابط اجتماعی، آن را وارد نظام آموزش و پرورش کرد. جنبش گفت‌وگوی بین ادیان در یازدهم

سپتامبر ۱۸۹۳ در پارلمان جهانی ادیان^۱ در شیکاگو شکل گرفت و نخستین اجلاس آن با شرکت رهبران ده دین بزرگ برگزار شد. شاه‌بیت^۲ مطالب مطرح شده در اجلاس این بود که دین عامل خشونت در جهان شده و بهترین راه حل این است که دین داران با یکدیگر گفت‌وگو کنند تا در آینده از فاجعه جلوگیری شود. این نشست آغازگر رشته‌های ادیان جهان و ادیان تطبیقی در دانشگاه‌ها بود و انتشار کتابی با عنوان «کتاب منبع ادیان جهان: راهنمای ادیان دین و معنویت»^۳ محصول این اجلاس بود (Viera, 2012: 11).

البته پیش از این نیز بحث رابطه دین و خشونت به‌ویژه نزد اندیشمندان دین‌پژوه مطرح بوده است؛ از جمله اینکه پروفیسور کیمبال^۴ استاد مطالعات دینی در دانشگاه اوکلاهاما کتابی نوشت با عنوان «وقتی دین شر می‌شود»^۵ و این کتاب مورد توجه بسیاری قرار گرفت. ایشان در ابتدای این کتاب به اصل این موضوع و رسالت دانشگاه در این رابطه می‌پردازد و می‌نویسد:

«این مسئله واقعیت دارد که متأسفانه منازعات و جنگ‌های بسیاری به نام دین اتفاق افتاده و انسان‌های بسیاری به نام دین کشته شده‌اند و امروز نیز شرارت‌های بسیار به نام دین اتفاق می‌افتد. پرواضح است که دانشگاه‌ها در این زمینه رسالت عمده‌ای دارند و نیز از بیشترین پتانسیل برای رهبری گفت‌وگوهای بین‌ادیان و مذاهب برخوردارند (Kimball, 2002: 1).

آنچه موجب خشونت به نام دین می‌شود، مطلق‌گرایی دینی است نه خود دین. این همان چیزی است که با گفت‌وگو می‌توان با آن مقابله کرد. پروفیسور پل نیتز^۶ در یک سخنرانی دانشگاهی در مورد خشونت و بازدارندگی گفت‌وگوی ادیان اظهار می‌دارد:

«هرگاه تفاوت‌ها وحشتناک تلقی شوند، ترس از آن‌ها بر همگان چیره می‌شود. در این شرایط افرادی که به نام دین وحشت ترویج کنند، صدای بلندتری خواهند داشت. راه مقابله با این وحشت، گفت‌وگوی معنوی

1. 1893 World's Parliament of Religions

2. "Sourcebook of the World's Religions: An Interfaith Guide to Religion and Spirituality", originally published 2000.

3. Charls Kimball

4. When Religion Becomes Evil

5. Paul Knitter

است. چنین گفت‌وگویی نه تنها تفاوت‌ها را بستری برای رواداری اجتماعی می‌سازد، بلکه خیر و برکت آن را نیز نمایان می‌کند» (Viera, 2012: 3).

بدین ترتیب محققان و اندیشمندان بر آن شدند تا در عمل وارد پارادایم گفت‌وگوی بین‌ادیان شوند. بهترین گزینه در این مسیر تبدیل محیط آموزشی به محملی برای گفت‌وگو و تعامل و مواجهه سالم برای دستیابی به اهداف مشترک بود. در میان منابع بسیاری که منعکس‌کننده الگوهای متنوع بودند، دستورالعمل تولدو^۱ در آموزش ادیان و عقاید در مدارس که توسط دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر دفتر همکاری‌های اروپا در سال ۱۹۷۵ تهیه شده بود، در دستورکار قرار گرفت. براساس این سند، به جای برخورد تمدن‌ها باید به تلاقی تمدن‌ها اندیشید. اروپای مدرن حاصل جمع جمعیت مهاجران مختلف، تعامل ادیان و عناصر فرهنگی گوناگون در طول ۲۵ قرن بوده است. دستورالعمل تولدو علاوه بر اینکه بقایای تمدن‌های درهم‌تنیده را به ما نشان می‌دهد که با هم جنگیدند، رنج کشیدند و در پایان با زندگی کردن در کنار همدیگر موفق شدند، نمونه‌هایی از همزیستی‌ها و ناهمزیستی‌ها را به نمایش می‌گذارد (Interfaith Education for all, 2017: 3). این سند ۱۳۴ صفحه‌ای اهمیت آموزش گفت‌وگوی ادیان را تبیین می‌کند و شیوه انجام این مهم را بیان می‌دارد. در صفحه ۱۹ این سند دلایل متعددی برای آموزش ادیان برای دانشجویان مطرح شده است. یکی از این دلایل عبارت از این است:

«شناخت تاریخ، ادبیات و فرهنگ بدون آگاهی از ادیان و عقاید قابل تصور نیست؛ بنابراین مطالعه پیرامون ادیان و عقاید بخش مهمی از آموزش مؤثر است. این آموزش بخش مهمی از آگاهی‌های فردی را تشکیل می‌دهد، افق دید فرد را وسیع‌تر می‌کند و بینش او را نسبت به گذشته و آینده عمیق‌تر می‌سازد. علاوه بر این، آگاهی از ادیان و عقاید می‌تواند به ارتقای رفتار محترمانه منجر شود و به انسجام اجتماعی یاری رساند. بدین صورت، تمام اعضای جامعه می‌توانند صرف‌نظر از عقاید شخصی از دانش مربوط به نظام‌های دینی و عقیدتی دیگران بهره‌مند شوند» (Toledo Guiding Principles on Teaching about Religion and Beliefs in Public Schools, 1975: 19).

1. Toledo Guiding

برنامه گفت‌وگوی ادیان و به تبع آن آموزش گفت‌وگوی ادیان از آغاز قرن بیست‌ویکم به صورت جدی مطرح شد. در این زمان به دلیل برخی جنگ‌ها و به تبع آن مهاجرت‌ها در ترکیه، لبنان، افریقای جنوبی و بسیاری از کشورهای غربی، چشم‌انداز جمعیتی و اجتماعی دچار تغییرات شگرفی شد و مدارس ابتدایی در بسیاری از کشورهای اروپایی به طور فزاینده‌ای با تکرر دینی مواجه شدند. در سال ۱۹۶۵ نهادی با عنوان «بنیاد توسل به وجدان»^۱ توسط آرتور شینر^۲ و گروهی از روحانیون بلندپایه به نمایندگی از مسیحیان کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان، یهودیان و مسلمانان در امریکا تأسیس شد. رویکرد اولیه بنیاد این بود که طراحان آن به‌عنوان افرادی بی‌طرف به رهبران دینی در مناطق محل مناظره دسترسی پیدا کنند و ارتباطات میان‌دینی آن‌ها را تسهیل کنند. در ادامه، کشورهای اروپایی سیاست‌های جدیدی در این زمینه به کار بستند. در سال ۲۰۱۴ اتحادیه اروپا تلاش‌هایی را برای آموزش ادیان و دیدگاه‌های غیردینی در چهارچوب آموزش بین فرهنگی آغاز کرد. برای مثال، در مدارس بلژیک مدل تازه‌ای از آموزش دین بر مبنای گفت‌وگوهای بین کاتولیکی ایجاد شد و آموزش ادیان و جهان‌بینی‌ها در دستورکار قرار گرفت. این نوع آموزش به دانشجویان کمک می‌کرد تا در خانواده، مدرسه و به طور وسیع در جامعه، هویت معنوی بین‌ادیانی جدیدی به دست آورند (Toledo Guiding Principles, 1975: 4).

۲. اصول آموزش گفت‌وگوی ادیان

نخستین اصل آموزش گفت‌وگوی ادیان با آزادی بیان، توانمندسازی و توسعه ایده‌ها و مفاهیم ارتباط مستقیم دارد. بی‌تردید شرط نخست اجرای این اصل داشتن درک درست از فلسفه گفت‌وگوست. اصل دوم آموزش، تکریم افراد و حفظ حرمت یکدیگر است. مدیریت آموزشی باید شرایط گفت‌وگو در فضای امن را به گونه‌ای فراهم سازد که به افزایش همدلی، احترام به ارزش‌ها و حفظ هویت‌ها منجر شود. اصل سوم آموزش گفت‌وگو، ارزیابی برنامه‌ها و فعالیت‌های مربوطه است. چنانچه برنامه‌ها مورد ارزیابی قرار گیرند می‌توان امیدوار بود آثار و آموزه‌های آن بتواند در آینده راهگشا باشد. ارزیابی

1. Appeal of Conscience Foundation
2. Arthur Schmeier

این گفت‌وگوها نیازمند برنامه، روش، اهداف و نتایج روشن است. با گذشت زمان، دانشی که از طریق این نوع ارزیابی‌ها به دست می‌آید منجر به فهم نقش واقعی و بالقوه گفت‌وگوهای دینی در ایجاد صلح بین‌المللی می‌شود. در سطح برنامه‌های فردی این ارزیابی‌ها شامل سه مؤلفه است:

۱) ارزیابی زمینه یعنی عوامل موجود در محیط عمومی که ممکن است بر اجرای برنامه‌ها و نتایج آن تأثیر بگذارد؛ ۲) ارزیابی فعالیت‌های مربوط به اجرای برنامه؛ ۳) ارزیابی میزان تأثیری که بر دانشجویان در سطوح مختلف وجود دارد. براساس یک مدل منطقی، رابطه میان برنامه گفت‌وگوی میان ادیان و نتایج آن باید به تئوری تغییر بیانجامد به طوری که بتوان آن را میان همه نخبگان و ناقدان به اشتراک گذاشت؛ بنابراین ارزیابی جزء برنامه‌های اصلی از ابتدا تا انتهاست و این ارزیابی باید بتواند علائم و هشدارهای لازم را برای مجریان و مدیران برنامه ارائه کند تا آن‌ها بتوانند برنامه‌ها را اصلاح یا تقویت کنند (United States Institute Report of Peace, 2003: 1).

۳. دانشگاه و گفت‌وگوی ادیان

دانشگاه به‌عنوان نظام آموزش عالی، مؤسسه‌ای پیشرو در امر آموزش و پژوهش به حساب می‌آید. در مورد رسالت اصلی دانشگاه در جامعه دو دیدگاه مهم وجود دارد. یک نظر دانشگاه را مرکزی برای تضارب آرا می‌داند و مسئولیت اصلی آموزش عالی را سوق دادن دانشجویان به سوی مباحث فکری و معرفتی به حساب می‌آورد. مک‌ایتایر فیلسوف اخلاق و سیاست اسکاتلندی (۱۹۲۹) از جمله مدافعان این دیدگاه است که نه تنها به لزوم شناخت موقعیت معرفت‌شناختی و فرهنگی دانشگاهیان، بلکه به مسئولیت آن‌ها در فراهم آوردن فضای گفت‌وگو اشاره دارد (Macintyre, 1990: 231). دیدگاه دیگر مربوط به جریان نیرومند لیبرال است که ریشه در اندیشه‌های کانت^۱ و جان لاک^۲ دارد. مطابق با این دیدگاه، دانشگاه باید در مسائل دینی و عقیدتی بیشتر حالت خنثی داشته باشد و دانشجویان به سوی ناظر بودن سوق داده شوند تا طرف تضارب و تنازع آراء (Cheetham, 2005: 4). براساس این دیدگاه، هدف دانشگاه باید تولید دانش به منظور رسیدن به رفاه و

1. Immanuel Kant (1724-1804)
2. John Locke (1632-1704)

روابط مبتنی بر احترام در جامعه باشد (Williams, 2002: 11)؛ چراکه دانشگاه‌ها از دولت، صنعت و حتی بخش خصوصی بودجه دریافت می‌کنند.

شاید هر دوی این آرا در سطوح و در رشته‌های خاصی از دانشگاه معتبر و صائب باشند، اما به نظر می‌رسد طبیعت آموزش‌ها در علوم انسانی و علوم اجتماعی به گونه‌ای است که باید مبتنی بر بحث و گفت‌وگو باشد؛ چراکه به قول برنارد ویلیامز^۱ فیلسوف اخلاق انگلیسی، «اقتدار دانشگاه ریشه در حقیقت‌جویی آن دارد» (Williams, 2002: 4). رسالت دانشگاه جست‌وجوی حقیقت است به خاطر خود حقیقت و نه چیز دیگر؛ بنابراین در اینجا گفت‌وگو ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای فرایند یادگیری انتقادی، تعامل با دیدگاه‌های مختلف و اجتناب از خودبرتربینی یا خودفریبی و کسب دانش حقیقی درباره حقیقتی است که دارای ابعاد و جنبه‌های گوناگون است.

پرواضح است که استاد دانشگاه در این گفت‌وگوها باید موضع بی‌طرفی خود را حفظ کند. این به معنی خنثی‌بودن نیست بلکه تکنیکی آموزشی است که استاد را در نقش ناظر و هادی دانشجویان به سمتی سوق می‌دهد تا آن‌ها در بحث‌ها شرکت کنند، آرای خود را در معرض نقد یکدیگر قرار دهند و خود را برای خود کشف کنند. در غیر این صورت عواملی چون ترس و شرم مانع اظهار صادقانه عقاید می‌شود (Cheetham, 2005: 14). به‌طور کلی، گفت‌وگوی ادیان در دانشگاه دارای ویژگی‌هایی است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱. گفت‌وگو در یک زمین مشترک

هرچند دین و معنویت دو روی یک سکه هستند، اما گفت‌وگوی ادیان در میان دانشجویان اغلب حول محور کُنه ادیان یعنی معنویت شکل می‌گیرد. در مورد ارتباط دین با معنویت و اتصال یا انفصال آن آرای متفاوتی وجود دارد. برای مثال تحقیقات میدانی آقای آستین^۲ استاد دانشگاه کالیفرنیا در رشته تعلیم و تربیت و همکاران ایشان بر روی دانشجویان کارشناسی، آنان را به این نتیجه رساند که معنوی‌بودن متفاوت از دین‌داربودن است. از دیدگاه ایشان، ویژگی‌های معنوی‌بودن عبارتند از معناجویی، آرامش‌خواهی، غمخواری، خیرخواهی و جهان‌بینی کل‌نگر. در حالی که ویژگی‌های دین‌داری عبارتند از:

1. Bernard Williams
2. Astin

تعصب‌ورزی، شریعت‌گرایی، محافظه‌کاری دینی و بدبینی نسبت به سایر ادیان و عقاید (Astin, A & Astin, H & Lindholm, 2011: 47).

از نظر ایشان ویژگی‌های معنوی دانشجویان زمانی تقویت می‌شود که دانشجویان فرصت تعامل با باورهای متفاوت و تجربه زیستن با آن‌ها را داشته باشند. بر این اساس، رشد و پیشرفتی هم که مبتنی بر معنویت‌گرایی باشد دارای ویژگی‌هایی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

الف) رشد معنوی فرایند جست‌وجوی وثاقت، اصالت و تمامیت فردی است؛

ب) پیشرفت معنوی فرایند حرکت به سوی فراتر از فردمحوری است؛

ج) رشد معنوی شامل ایجاد رابطه بیشتر با خود و دیگران از طریق ارتباط و اتحاد با جامعه است؛

د) توسعه معنوی عبارت است از جست‌وجوی معنا، هدف و جهت در زندگی فردی؛
ه) رشد معنوی تلاش مادام برای ارتباط با قدرت یا جوهری نامحسوس و فراگیر است که فراتر از شناخت انسان است (Love & Talbot, 1999: 364).

برخی دیگر قائل به ارتباط و اتصال میان دین و معنویت هستند؛ از جمله واین روبرت تسدل^۱ کشیش کاتولیک و پژوهشگر در زمینه گفت‌وگوی ادیان (۲۰۰۴-۱۹۴۵) که در مورد ارتباط معنویت و آموزش، هفت ویژگی را مطرح می‌کند:

■ دین و معنویت با هم ارتباط دارند اما یکسان نیستند؛

■ معنویت کل‌نگر و ارتباط‌گراست؛

■ معنویت به سوی معناسازی پیش می‌رود؛

■ معنویت احاطه‌کننده است؛

■ معنویت افراد را به سوی وثاقت بیشتر سوق می‌دهد؛

■ معنویت ایجادگر دانش از طریق سازوکارهای نمادین و ناخودآگاه است؛

■ تجربه‌های معنوی می‌توانند غافلگیرانه رخ دهند (Tisdell, 2003: 28-9).

درهرحال، چه معنویت کُنه دین، گوهر دین و برخاسته از آن باشد و چه چکیده ادیان، همه ادیان کمابیش از ابعاد معنوی برخوردارند و این زمین مشترکی است که

گفت‌وگوکنندگان در ادیان می‌توانند در آن مانور دهند.

۲-۳. گفت‌وگو با رویکرد نقد

یکی از روش‌های آموزش گفت‌وگویی بین ادیان، آموزش از طریق تعامل دانشجویان یک کلاس است. در این روش، فرد «دیگر» آن دیگر کلی نیست که در روایت‌ها، داستان‌ها، متون و سنت‌های بزرگ آمده باشد، بلکه یک «دیگر» واقعی است که در کلاس در کنار هم‌کلاسی خود نشسته است؛ در این صورت آموزش و گفت‌وگویی بین ادیان، گفت‌وگو بین نمایندگان گروه‌های ایدئولوژیک نیست بلکه در پویایی درونی و با هدف جست‌وجوی معنا و ارتباطی که در میان جوانان شکل می‌گیرد، رخ می‌دهد. این مواجهه انتقادی منجر به توانمندی فرد در نگرش عمیق‌تر به نظام معنابخشی و کشف میزان تاب‌آوری وجودی خود می‌شود. این‌گونه رویارویی‌های فرهنگی و دینی افراد را به چالش می‌کشانند و این احساس را در آن‌ها ایجاد می‌کند که باید خود را بازتعریف کنند و شأن و جایگاه خود را بشناسند و عزت‌نفس خود را در مواجهه با دیگران به نحو دیگری بازیابند. در اینجا است که یادگیری با زیست‌های متفاوت با یادگیری در زمین مشترک با هم جمع می‌شوند. البته از مهم‌ترین موانع موجود در این مسیر، وضعیت آموزش دین و وجود متخصص در این زمینه است. در اینجا عواملی چون برخورداری از اساتید و معلمان حرفه‌ای، میزان آمادگی دانشجویان، انگیزه‌های آنان، ظرفیت و تاب‌آوری آن در برابر انتقادهایی که در کلاس مطرح می‌شوند، بسیار تعیین‌کننده است. اساتید در هدایت فرایند این نوع یادگیری‌ها نقش بسزایی دارند؛ چراکه دانشجویان را برای این بازتعریف و بازساخت فردی و اجتماعی یاری می‌دهند؛ از این‌روست که در برخی دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها، برای اساتید و معلمان که وارد این حیطه دشوار می‌شوند، تیم‌های پشتیبانی در نظر گرفته می‌شود. این تیم‌ها موضوعات، چالش‌ها و شیوه‌ها را برای استاد متخصص آماده کرده و در برابر مسائل و چالش‌ها همفکری می‌کنند. همچنین مکانیزمی برای این اساتید طراحی می‌شود تا بتوانند از روش‌های جدیدتر و منابع غنی‌تر استفاده کنند (Anna Halsall & Bert Roebben, 2006: 10).

در این مواجهه تلاش بر این است که اختلافات کنار گذاشته شود و به جای آن بر

صلح، عشق، درک و تحمل توجه شود، اما درعین حال باید پرسش‌های بنیادی نیز مطرح شوند؛ به‌ویژه آن‌هایی که در ایجاد تفاوت‌ها اثربخش بوده‌اند. در اینجا هدف این نیست که تفاوت‌ها اهریمنی جلوه داده شده و صورت مسئله پاک شود، بلکه هدف، آموزش رویکرد نقادی است. آموزش نقادی صحیح در گرو این است که دانشجویان درک درستی از موضوع داشته باشند و آمادگی لازم برای انعطاف‌پذیری و پذیرش پیامدهای آن را کسب کرده باشند. بدون پذیرش این شیوه پیچیده، آموزش گفت‌وگوی میان ادیان به مواجهه‌ای سطحی تقلیل می‌یابد و تهی از هر نوع کاوش و رویکردهای متفاوت خواهد بود (Rumyana Ilcheva, 2015: 2).

۳-۳. گفت‌وگوی مبتنی بر دانش دین‌شناسی

شواهد بسیاری حاکی از آن است که امروزه در گفت‌وگوی بین ادیان در سطح جهانی، این حوزه به قلمرو تحصیلات تکمیلی نزدیک شده است. به عبارت دیگر، این موضوع در دانشگاه‌های امروزی از حاشیه به متن آمده است. تعیین راهبردهای دانشگاهی در این زمینه می‌تواند شاهدی بر این ادعا باشد. برای مثال مری تاکر^۱ و جان گریم^۲ اساتید دین در دانشگاه ییل و دبیران اجلاس دین و اکولوژی در سال ۲۰۱۲ اظهار می‌دارند: «دین باید با رشته‌های دانشگاهی از جمله علوم طبیعی، اخلاق، اقتصاد، آموزش، نظم عمومی و مطالعات مربوط به جنسیت گفت‌وگو و تعامل داشته باشد. این تنها راه حل مشکلات زیست‌محیطی در ابعاد محلی و جهانی است» (Joseph L. Subbiondo, 2012).

دانش دینی یک فرد، مهارت لازم را برای پذیرش دیگر ادیان و همبستگی اخلاقی با پیروان آن‌ها در اختیارش قرار می‌دهد. این یک واقعیت است که دین‌داری در عصری که انسان فضا را درنوردیده و هوا با صوت و تصویر اشباع شده است، متفاوت از نوع دین‌داری انسان در عصر باستان و قرون وسطاست، زیرا بشر امروزی در تمدنی علمی زندگی می‌کند. در چنین عصری، شناخت ادیان دیگر می‌تواند انسان‌ها را در موقعیتی فعال و یکپارچه قرار دهد و این موقعیت موجب از بین رفتن منازعات و پیدایش ارزش‌ها و نگرش‌های مثبت شود. این فقدان دانش و تعامل با ادیان دیگر می‌تواند به فقدان

1. Mary Tucker
2. John Griym

رواداری بیانجامد که بر تعاملات تأثیر منفی دارد و موجب افزایش خشونت می‌شود. مطالعات ادیان مختلف سبب می‌شود مباحث دینی همواره در ذهن دانشجویان باقی بماند و این زمینه پژوهش‌های دینی را می‌سازد. گفت‌وگوی ادیان داده‌هایی تجربی هستند که بنیادهای ارتباطات دینی را می‌سازند و احساس صمیمیت با یک دین سبب احساس نزدیکی با پیروان آن می‌شود؛ درست مثل احساس دوستی با عضوی از یک گروه که منجر به دوستی با کل گروه می‌شود (Campbell & Putnam, 2011: 611). بر این اساس مسئله مهمی که در فرایند آموزش گفت‌وگوی بین ادیان باید مورد توجه قرار گیرد، تعیین راهبردهای دانشگاهی برای استفاده از دانش دین‌شناسی است.

۴. تعیین راهبردهای آموزشی

گفت‌وگوی افراد مختلف از ادیان و مذاهب گوناگون می‌تواند دارای اشکال، روش‌ها، اهداف و چهارچوب‌های متفاوتی باشد. این گفت‌وگوها می‌تواند در سطوح گوناگونی برگزار شود و افراد مختلف مانند نخبگان، افراد سطح متوسط و فعالان اجتماعی در آن مشارکت داشته باشند. برنامه گفت‌وگوی ادیان ممکن است از جهاتی شبیه برنامه‌های ایجاد صلح در جامعه سکولار باشد، اما محتوای دینی و معنوی حاکم بر تمام برنامه‌ها، آن را از برنامه‌های سکولار متمایز می‌سازد. در نظام دانشگاهی، توسعه شیوه‌ها و مهارت‌های مورد نیاز در گفت‌وگوی ادیان با گذر از سه مرحله زیر قابل دستیابی است:

۴-۱. مرحله شناختی

در این مرحله دانشجویان به تبادل اطلاعات می‌پردازند و دانش خود را نسبت به ادیان افزایش می‌دهند. مهم‌ترین مهارت لازم در این مرحله از گفت‌وگو، مهارت گوش دادن با هدف فهم ارزش‌های دینی طرف مقابل است. در این مرحله، توجه به مبانی گفت‌وگو، کرامت، آزادی و هویت طرف گفت‌وگو ضروری است. آموزش گفت‌وگوی ادیان با در نظر گرفتن اصل آزادی اراده و تقویت ایده‌ها و مفاهیم دینی و ایدئولوژیکی امکان‌پذیر می‌شود. شرط مهم اجرایی این اصل فهم این نکته است که گفت‌وگو^۱ متفاوت از مناظره^۲

1. Dialogue
2. Debate

است. در گفت‌وگو، اولاً هدف متقاعدکردن نیست بلکه ارائه و طرح بحث است؛ دوم اینکه حفظ کرامت و هویت افراد شرکت‌کننده در اولویت قرار دارد، چراکه هدف از آموزش گفت‌وگوی ادیان، تقویت حس همدلی و اعتمادبه‌نفس و توانایی گفت‌وگوکردن است. سوم اینکه هدف اساسی در اینجا اصل فراگیری است. این رویداد فرصتی است نه تنها برای گفت‌وگوکنندگان بلکه برای تمام شرکت‌کنندگان و مشاهده‌کنندگان که دانش خود را در این زمینه ارتقا بخشند (Rumyanall, 2015: 3).

در برخی دانشگاه‌ها، مطالعات دینی و معنوی به‌عنوان دروس اختیاری ارائه می‌شوند. جدای از این، رشته مطالعات ادیان تطبیقی به‌طور تخصصی به بررسی سنت‌های دینی مختلف، عقاید و آیین‌ها با رویکردهای تاریخی، جامعه‌شناختی، فلسفی، روان‌شناختی و غیره می‌پردازد. مهم این است که در دانشگاه‌ها فرصت آشنایی با سنت‌های ادیان مختلف به دانشجویان داده شود. *توماس مرتون* (۱۹۶۸-۱۹۱۵) الهی‌دان و عارف امریکایی که به توصیف مشکلات ناشی از آگاهی انسان تنها در مورد دین خود و عدم آشنایی نسبت به سایر ادیان می‌پردازد، با اشاره به سنت فکری شرق و غرب اظهار می‌دارد از مهم‌ترین جنبه‌های گفت‌وگوی بین ادیان که بسیار کم به آن پرداخته شده است، یکی آموزش گفت‌وگوی بین ادیان و دیگر، تبیین رابطه میان دین و معنویت در برنامه‌های آموزشی است (Merton, Masters, 1967).

۲-۴. مرحله ارتباطی

در این مرحله وضعیت مسائل به گونه‌ای است که به درک ارزش‌های طرفین منجر می‌شود و طرف‌های گفت‌وگو به فهمی از سنت‌های یکدیگر دست می‌یابند که این خود سبب تغییر در فهم آن‌ها می‌شود. برای مثال در گفت‌وگوهای بودایی - مسیحی، مسیحیان می‌توانند اطلاعات بیشتری درباره سنت‌های مربوط به مراقبه به دست آورند و بوداییان نیز می‌توانند سنت وحی را فرا گیرند. در دیالوگ مسیحی - اسلامی هم طرفین می‌توانند ارزش‌های موجود در سنت‌های یکدیگر را بشناسند، چراکه هریک از آن‌ها دارای سنت نیرومندی است و با یکدیگر ارتباط وسیعی دارند. نکته مهم دیگر تبیین این اصل است که دیالوگ باید مبتنی بر میل و رضایت طرف‌های گفت‌وگو باشد تا مسائل به صورت شفاف و

صادقانه مطرح شوند. هدف اصلی در اینجا یادگیری جمعی است. این نوع آموزش، فرصتی برای برقراری گفت‌وگو نه تنها در بین مجامع دینی بلکه در بین سایر بازیگران جامعه ایجاد می‌کند. تحقیقات و مصاحبه‌های متعدد از دانشجویانی که به عنوان طرف‌های گفت‌وگو در نشست‌های گفت‌وگوی ادیان شرکت کرده‌اند، حاکی از این است که چنین گفت‌وگویی علاوه بر افزایش یادگیری، ارتباطات مثبت بین افراد را افزایش داده و فعالیت‌های گروهی را تقویت کرده است. علاوه بر این، دانشجویان تغییرات قابل توجهی را در خود احساس کرده‌اند و تأثیرات این درس را بیش از سایر دروس دانسته‌اند (Gurin, 2004: 17).

۳-۴. مرحله اجرایی

مرحله سوم در توسعه مهارت‌های مربوط به گفت‌وگو، انجام پروژه‌ها، کارورزی‌ها، سخنرانی‌ها و مواردی از این دست است. مهم‌ترین پیش‌نیاز در اینجا، حمایت از گفت‌وگوها و فعالیت‌های بین دانشجویان، اساتید و الهی‌دانان است. علاوه بر این، دانشجویان می‌توانند از طریق روش‌هایی چون تصویرسازی، مدل‌سازی رفتاری و بازتولید آن‌ها، مهارت‌های حرفه‌ای خود را در این زمینه گسترش دهند. این فعالیت‌ها منجر به شناخت عمیق از تکثر و تنوع بین ادیان و سنت‌های دینی و معنوی خواهد شد. این فعالیت‌ها به یافتن ایده‌های جدید در آموزش گفت‌وگوی ادیان ارتباط می‌یابد. در اینجا می‌توان از ابتکارات آموزشگاه‌های پیشگام سود جست و تجربه‌های جهانی را در این زمینه مد نظر قرار داد. هدف از فعالیت‌های آموزشی در این قسمت جست‌وجوی ابعاد ناشناخته برای رسیدن به راه‌حل‌های بهتر است. نکته قابل توجه در این فعالیت‌ها این است که گفت‌وگوی بین ادیان در فضای آموزشی ترغیب‌کننده همگرایی و پرهیز از منازعات عقیدتی انجام گیرد. در این رویداد، به دانشجویان فرصت داده می‌شود تا در مراسم و شعائر دینی ادیان شرکت کنند، زیارتگاه‌های آنان را ببینند و سپس وارد بحث شوند (king & Boxter, 2005: 572).

سخن آخر اینکه، امروزه آموزش نظری اصول و عقاید ادیان به تنهایی کافی نیست این آموزش‌ها زمانی می‌توانند به اهداف بالاتری دست یابند که در عرصه ملی و بین‌المللی و به‌ویژه در رفع اختلاف‌هایی که به نام ادیان و مذاهب رخ می‌دهد، مفید واقع شوند.

دانشگاه می‌تواند نخستین و مهم‌ترین عرصهٔ تمرین گفت‌وگویی میان ادیان و مذاهب در نهادهای بین‌المللی و در کل جامعه باشد. تجارب کشورهای دیگر نشان می‌دهد گفت‌وگویی بین ادیان و مذاهب در آن کشورها به صورت عینی و در کلاس‌های میان دانشجویانی که پیروان ادیان متفاوتی هستند، صورت می‌گیرد. در اینجا نقل چند نمونه از تجارب دانشجویانی در این زمینه فعال بوده‌اند، می‌تواند قابل توجه باشد. در مصاحبه‌ای که با دانشجویان گفت‌وگوکننده در یک نشست گفت‌وگویی ادیان پرسیده شد، هریک احساس سازنده‌بودن این گفت‌وگوها را به گونه‌ای بیان داشتند؛ از جمله اینکه گفته شد فضای گفت‌وگو فضایی است که خوشبختی امید و صلح را نوید می‌دهد. دانشجوی دیگری احساس خود را به این صورت بیان می‌کند که محصول گفت‌وگویی ادیان تکریم است که در کمتر جایی دیده می‌شود. سایر دانشجویان شرکت‌کننده نیز از لذت‌بخش بودن، امیدوارکنندگی، آرامش‌بخشی و محبت‌آمیز بودن این گفت‌وگوها سخن گفته‌اند. یکی دیگر از دانشجویان شرکت‌کننده در گفت‌وگویی ادیان می‌گوید:

«در ابتدا تصور من این بود که گفت‌وگویی بین ادیان عبارت از این است که افرادی در مقابل یکدیگر می‌نشینند و از عقاید خود سخن می‌گویند اما با گذشت زمان متوجه شدم گفت‌وگویی ادیان چیزی فراتر از این‌هاست. اگر بخواهم به اختصار بگویم، گفت‌وگویی ادیان، شناخت یکدیگر و فعالیت مشترک برای ساختن هرچه بهتر جامعه است. در کل گفت‌وگویی ادیان به شما می‌آموزد تا حدی زندگی متفاوتی داشته باشید. به شما کمک می‌کند تا حدی عمیق‌تر در مورد انسان‌های دیگر بیاندیشید و از راه‌های بهتری برای برقراری ارتباط با آن‌ها برخوردار شوید» (Russell, 2014: 89).

پیشنهاد این است که واحد درسی «آموزش مهارت‌ها و فنون گفت‌وگویی ادیان» دست‌کم در رشته ادیان و عرفان گنجانده شود و در این کلاس‌ها، مهارت‌ها و فنون گفت‌وگو به شکل نظری و عملی آموزش داده شود. یکی از بهترین شیوه‌های آموزش مهارت‌ها و فنون گفت‌وگوهای ادیان، استفاده از فیلم‌های مستندی است که از نشست‌های گفت‌وگوهای ادیان وجود دارد. در این فیلم‌ها نشان داده می‌شود که دانشجویان ادیان در دانشگاه‌های دیگر چگونه در این امر مشارکت می‌کنند یا رهبران ادیان چگونه بدان می‌پردازند. پرواضح است که فهم زبان خارجی در این زمینه نقش

قابل توجهی دارد. دانشجویان با دانشی که در این رشته کسب می‌کنند، می‌توانند به صورت نمایندگان ادیان و مذاهب مختلف جلسات پُرشوری از گفت‌وگوهای ادیان و مذاهب را به نمایش بگذارند. در اینجا می‌توان دید هر یک از شرکت‌کنندگان در گفت‌وگوی ادیان چه تعریفی از آن دارند و درعین‌حال چه تجربه‌ای در این ارتباط به دست آورده‌اند و میزان فراگیری عواملان و ناظران گفت‌وگو تا چه اندازه ارتقا می‌یابد؛ بنابراین دانشجویانی که در این عرصه گام برمی‌دارند باید:

- مطالعه کافی در موضوع مورد بحث داشته باشند؛
- تمرین‌های لازم را برای ایجاد ظرفیت‌های لازم به منظور انتقادپذیری و خودآگاهی انجام دهند؛
- نسبت به طرف‌های گفت‌وگو که صادقانه و صریح، آرا و عقاید خود را بیان می‌کنند، قدرشناس باشند؛
- تواضع، تعامل و شنیدن فعال و همدلانه را تمرین کنند؛
- اختلاف‌ها و تفاوت‌ها را فرصت مغتنمی برای آموختن بدانند نه برای از میدان به‌دردن‌سایرین.

نتیجه‌گیری

یادگیری و شناخت سایر ادیان و مذاهب بسیار اساسی است، اما تعامل با ادیان، مذاهب و فرهنگ‌های متفاوت مستلزم آموزش‌های عمیق دیگری است. آموزش گفت‌وگوی بین ادیان و مذاهب ابزارهای لازم را برای ایجاد فضایی امن برای مواجهه با «دیگری متفاوت» در اختیار دانشجو قرار می‌دهد. البته آموزش تعامل بین ادیان، مذاهب و فرهنگ‌ها موضوع درس واحدی نیست که در کلاس خاصی معرفی شود بلکه باید به بخشی جدایی‌ناپذیری از برنامه آموزشی مؤسسه‌های آموزشی رسمی و غیررسمی تبدیل شود، اما با توجه به زمینه‌های آن، در حال حاضر می‌توان شیوه‌ها و مهارت‌های گفت‌وگوی بین ادیان و مذاهب را در دانشکده‌های الهیات به‌ویژه در گرایش ادیان و عرفان تطبیقی به صورت تخصصی آموزش داد.

ایجاد مهارت‌های پایدار از طریق آموزش برای تجهیز دانشجویان به منظور تعامل با

ادیان، مذاهب و فرهنگ‌های مختلف بسیار مهم است و اجازه می‌دهد آن‌ها نه تنها شهروند کشور خود بلکه اعضای جامعه جهانی باشند. در این صورت، دانشجویان بیشتر به جای اینکه با اختلافات دینی، مذهبی یا فرهنگی درگیر شوند بر شباهت‌ها تمرکز می‌کنند. آموزش گفت‌وگوی ادیان، آموزش شیوه‌ها و مهارت‌های تعامل با وجود تفاوت، به اشتراک‌گذشتن روایت‌های شخصی و فضای گوش‌دادن و آمادگی برای برخوردهای تحول‌آمیز است. وظیفه دانشگاه‌ها این است که از طریق آموزش گفت‌وگوی ادیان و مذاهب حس «ما» بودن را در تعامل با «دیگران» تقویت کنند. در این صورت می‌توان دانشگاه را دانشگاهی بین‌المللی نامید. بین‌المللی شدن می‌تواند دانشگاه را به سکویی برای پیوند دانشجویان با فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف تبدیل کند.

کتابنامه

- Anna Halsall & Bert Roebben (2006), "Intercultural and Interfaith Dialogue through Education", *Religious Education*, 101: 4, 443-452, DOI: 10.1080/00344080600948571
- Astin, Alexander; Helen, S., Lindholm, Jennifer (January February 2011), "Assessing Students' Spiritual and Religious Qualities", *Journal of College Student Development*, Johns Hopkins University Press, Vol. 52, Number 1.
- Byrne, Máire (27 Jan. 2020), *Interfaith Dialogue and Comparative Theology*, "The Names of God in Judaism, Christianity, and Islam: A Basis for Interfaith Dialogue", London: Continuum, 2001. 1-8. Bloomsbury Collections. <http://dx.doi.org/10.5040/9781472549464.ch-001>
- Campbell, David E.; Putnam, Robert D. (December 2011), "America's Grace: How a Tolerant Nation Bridges Its Religious Divides", *Political Science Quarterly*, 126 (4).
- Cheetham, David (June 2005), "The University and Interfaith Education", *Studies in Interreligious Dialogue*, No. 1.
- Gurin, P., Nagda, B. A., & Lopez, G. E. (2004), "The benefits of diversity in education for democratic citizenship", *Journal of Social Issues*, 60 (1).
- Harper. Kimball, C. (2002), *When Religion Becomes Evil*. San Francisco, CA: Harper.
- Interfaith Education for all: Theoretical Perspectives and Best Practices for Transformative Action, (2017), Edited by Duncan R. Wielzen and Ina Ter Avest, Sense Publishers Rotterdam/Boston/Taipei.
- Joseph L. Subbiondo, (2012), "Religious Pluralism, Global Peace, and Higher Education", *Islamic Studies (AICIS) XII*, Surabaya: IAIN Sunan Ampel.
- King, M.; Boxtor Magolda, M. B. (2005), "A developmental model of intercultural maturity", *Journal of college student development*, 46.
- Kipling, Rudyard (1940), *Rudyard Kipling's Verse* (Definitive ed.), Garden City, NY: Doubleday.
- Love Patrick & Talbot. Donna, (2009), "Defining Spiritual Development: A Missing Consideration for Student Affairs", *Journal NASPA Journal*, Vol. 46, Issue 4.
- McIntyre, A. (1990), *Three Rival Versions of Moral Enquiry*, London: Duckworth.
- Merton. Thomas, (1967), *Mystics and Zen masters*, New York: Farrar, Strauss and Giroux.
- Riera, J. (2013), *Walking the labyrinth: Examining the intersection of spirituality and leadership among senior student affairs administrators. ProQuest Dissertations and Theses*, 301. Retrieved from [http://search.proquest.com/docview/1432744069?accountid=10223.\(1432744069\)](http://search.proquest.com/docview/1432744069?accountid=10223.(1432744069)).

- Rumyanalcheva Neminska, (2015), “Education for Interreligious Dialouge. Interactive Situational Methods for Learning of Students”, *International Journal of Information Research and Review*, Vol. 2, Issue, 12.
- Russell, Krebs Stephani (2014), “Dissertation Issertation Voices of Interfaith Dialogue: A Phenomenological Analysis, submitted in partial fulfillment of the requirements”, For the Degree of Doctor of Philosophy Colorado State University Fort Collins, Colorado, Summer 2014.
- Taylor, R. (1967), “The Meaning of Dialogue”, In: H. J. Singh (Ed.), *Inter-religious Dialogue. Bangalore: CISRS*.
- Teasdale, W. (1999), *The mystic heart*, Novato, Discovering a Universal Spirituality in the World’s Religions, CA: New World Library.
- Toledo Guiding Principles on Teaching about Religion and Beliefs in Public Schools, (1975), Published by the OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR) Printed in Poland by Sungraf.
- United States Institute Report of peace, Special Report, (DC 2003) 1200 17th Street NW Washington.
- Viera, J. A. (2012), Exploring participant experience of interfaith dialogue: A case study on encounters with the religious other, (Doctoral dissertation). Retrieved from ProQuest Dissertations and Theses, (Accession Order No. 3511201).
- Williams, B. (2002), *Truth and Truthfulness*, Princeton: Princeton University Press.